آداب و رسوم

باور تهرانی‌ها به خواص خوراکی‌ها

■ معروف است که تهرانیان قدیم، طبیب خود بودند و به دلیل آشنایی که از خواص گیاهان و حیوانات خوراکی و غیرخوراکی داشتند، به معالجه خود و دیگران می‌پرداختند. آنها برای هر درد و مرضی فارغ از آنکه واقعا این خوراکی‌ها دارای اثرات مفید و مثبت است دارو و نسخه‌ای از آنها تجویز می‌کردند. ذکر چندین نمونه از خواص خوراکی‌های رایج آن دوران که بیش از هر داروی دیگری برای درمان بیماری‌ها رواج داشت، خالی از لطف نیست:

آب خاکستر: منظور آبی است که از خاکستر چوب سوزانده به دست می‌آید. تهرانی‌ها از آب خاکستر برای التیام بخشیدن زخم ناشی از جراحات، پاک کردن معده و ریه، درمان تهوع و بیماری‌های عصبی به کار می‌بردند.

آب شیر: منظور زردآب و آب‌شیر بریده بز یا گاو بوده است که برای جلادهندگی رخسار گرم مزاج‌ها و خشک‌مزاج‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و از دیگر خواص آن می‌توان به پاک‌کننده بودن سموم روده، جوش و خارش در زبان، حلق و گلو و کاهش هیجان و اضطراب نام برد.

آب آهن: منظور آب آهن گداخته شده است که باعث تقویت احشا، امعا و معده می‌شد. تهرانی‌ها از آب آهن برای درمان جراحات شکم و روده استفاده می‌کردند و معتقد بودند که برای درمان قلب‌گرفتگی، تشنگی دایم بی‌نظیر است.

آب گوگرد: مقصود آبی است که از شکم کوه‌ها و چشمه‌های جوشان سرازیر می‌شود که برای درمان بیماری‌های پوستی، رفع شپش و درد مفاصل مورد استفاده قرار می‌گرفت.

آهو: تهرانی‌های قدیم بر این عقیده راسخ بودند که گوشت آهو یرقان و امراض رطوبتی و عصبی را کاهش می‌دهد و مالیدن خون آهو به مو باعث بلندی و قوت مو می‌شود و پوشاندن بدن با پوست آهو، طحال را پاکسازی می‌کند.

ابریشم: منظور پیله‌ای ابریشم تا زمانی که کرم آن را سوراخ نکرده است که اگر مقداری از پیله پخته شود برای پاکسازی معده مفید است. همچنین آب جوشانده ابریشم باعث جلادهندگی پوست می‌شود و رنگ رخسار را شاداب می‌کند.

اسپند: مقصود همان دانه‌ای است که هنوز برای تصفیه هوا و از بین بردن چشم‌زخم دور می‌شود. تهرانی‌ها بر این نظر بودند که خوردن دانه‌های آن درد معده را از بین می‌برد، سینه و شش را پاک می‌کند و باعث فربهی بدن می‌شود.

برف: تهرانی‌ها می‌گفتند خوردن برف باعث کاهش دندان درد می‌شود و همچنین کرم معده را از بین می‌برد و تب بیمار را قطع می‌کند و مالیدن برف بر بدن باعث رفع امراض خارش‌دار می‌شود.

برنج: مقصود برنجی است که مورد طبخ قرار نگرفته است. تهرانی‌های قدیم بر این عقیده بودند که خوردن برنج خام باعث طول عمر، صحت و سلامت بدن می‌شود و ورم رحم و مثانه را از بین می‌برد و برای شکم درد بسیار مفید است.

پر طیور: منظور پر پرندگان است که سوزانده آن برای قطع خون ناشی از جراحات مناسب است برای کسانی که از خون‌دماغ شدید رنج می‌برند، تهرانی‌ها مالیدن پر طیور بر بینی‌شان را تجویز می‌کردند.

پنبه: خوردن شکوفه پنبه باعث نشاط‌بخشی فرد می‌شود و همچنین فکر و وسواس و خیالات را برطرف می‌کند و در ابتدا از شکل‌گیری بیماری جنون پیشگیری می‌کند. در واقع تهرانیان پنبه را به عنوان داروی ضدافسردگی مورد استفاده قرار می‌دادند.

پیه: مراد در اینجا پیه بز است که در بهبود جراحات بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین کسانی که از زبری و خراش پوست و ریزش مو در عذاب بودند، بهترین دارو را مالیدن پیه بر بدن و مو می‌دانستند.

خارخسک: تهرانی‌ها بر این باور بودند که خوردن خارخسک باعث رفع انسداد ادرار می‌شود و درد مثانه را کاهش می‌دهد. همچنین برای درمان سنگ کلیه و زخم و جوش در هان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

خاک: بهترین نوع خاک از منظر تهرانی‌ها، خاک رس بود که برای رفع ورم‌های داخل بدن تجویز می‌شد و همچنین کسانی که از زنبورگزیدگی رنج می‌بردند با پوشانیدن بدن خود با خاک، خودشان را درمان می‌کردند.

خمیر ترش: تهرانی‌های قدیم اعتقاد داشتند که مالیدن خمیرترش بر بدن باعث بیرون کشیدن چرک و سیاهی زیرجلد و جلای پوست می‌شود. همچنین جهت رفع خماری، تشنگی و تب مورد استفاده قرار می‌گرفت.

دنبه: در اینجا مقصود دنبه گوسفند است که دارای خاصیت نرم‌کنندگی برشمرده می‌شد و برای علاج کوفتگی عضلات بدن به کار می‌رفت و باعث آرامش اعصاب و روان می‌شد.

سرشیم(ژله): مراد ژله‌ای بود که از جوشاندن پوست حیوانات به دست می‌آمد و خوردن آن زخم ریه و خونریزی سینه را رفع می‌کرد و مانع از ورم‌کردن می‌شد. همچنین برای کسانی که بر اثر شکستن استخوان‌هایش درد می‌کشیدند این ژله را برای درمان استخوان بر نواحی شکستگی می‌مالیدند.

سقز: جویدن سقز باعث لطافت پوست و قوت هضم می‌شد و خستگی پوست را از بین می‌برد. همچنین تهرانی‌های قدیم می‌گفتند ضماد سقز، جراحات زخم را از چرک پاک می‌کرد.

جگرسفید (شش): مقصود شش بره و بزغاله بود که تهرانی‌ها برای رفع ورم چشم، جگر سفید روی چشم می‌مالیدند. همچنین برای درمان زخم‌روده مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته می‌گفتند خوردن مداوم آن سبب ناراحتی سینه، شش و بیماری سل می‌شد.

شانزلیزه تهران کجاست؟

هتلی که تبدیل به پاساژ شد

فرزانه نیکروح‌متین

عکس: مهدی حسنی، شرق

خیابانی که به دلیل رویش لاله‌های سرخ‌رنگش در ایام قدیم به خیابان لاله‌زار معروف شده، روزگاری نماد تجدد و نوگرایی پایتخت به شمار می‌آمد که قدیمی‌ها از آنجا به عنوان گردشگاه، میعادگاه عشاق، محل سکونت افراد مرفه، محل تبادل آرا و نظرات روشنفکران و آزادی‌خواهان نام می‌برند؛ همان خیابانی است که مبارزه علیه استبداد در آنجا شکل گرفت و منجر به پیروزی مشروطه شد. خیابانی که نخستین سالن‌های سینما، تئاتر، کافه، رستوران و هتل‌های تهران را به خود دید، خیابانی که روزگاری مردم به دلیل هوای لطیف و فرح‌بخشش اوقات خود را در آنجا سپری می‌کردند. این خیابان که امروزه از جنوب به میدان توپخانه و از شمال به خیابان انقلاب از شرق به چهارراه سیدعلی و از غرب به خیابان فردوسی منتهی می‌شود، هم‌اکنون تبدیل به یکی از شلوغ‌ترین، کثیف‌ترین و پرجمعیت‌ترین محله تهران شده است و تهرانی‌های امروز لاله‌زار را بیشتر به دلیل بورس لوازم برقی و الکتریکی می‌شناسند تا شناسنامه تاریخی‌اش، چراکه هیچ آثار و نشانی از گذشته پررونق و برقش باقی نمانده و دست روزگار اکثر آنچه را که به گذشته ربط داشته، از بین برده است.

لاله‌زار از آغاز تا به امروز

ناصرالدین‌شاه پس از بازگشت از سفر اول خود به فرنگ، تصمیم گرفت که خیابانی همچون شانزه‌لیزه پاریس در دارالخلافه احداث کند و هیچ کجا را مناسب‌تر از باغ لاله پیدا نکرد. باغ لاله یکی از چند باغ معروف تهران به شمار می‌رفت که در دوران فتحعلی‌شاه دایر شد که چند صباحی قائم‌مقام فراهانی در آنجا سکونت کرد و بعدها تبدیل به محل پذیرایی و اقامت سفیران و اتباع خارجی شد. ناصرالدین‌شاه برای ساخت شانزه‌لیزه تهران دستور داد باغ لاله را خراب کنند و از میان آن راسته‌ای با شکل و شمایل خیابان‌های فرنگی بنا کنند. وی عبدالرزاق بغایر را مامور طراحی و نقشه‌برداری لاله‌زار کرد و این‌گونه لاله‌زار شکل گرفت. از آنجا که باغ لاله در آن ایام در شمال شهر تهران قرار داشت و به اصطلاح محله بالا شهر به شمار می‌رفت، تبدیل به منطقه مسکونی اعیان و اشراف و گردشگاه پایتخت‌نشینان شد. به قول جعفر شهری این راسته به عبور و مرور زنان و مردان شیک‌پوش و آلامد اختصاص یافت که افراد بیکار طول لاله‌زار را که در آن زمان تا خیابان شاه (جمهوری) امتداد داشت، ۸۰۰قدم تعیین کرده بودند. ناگفته نماند در یک دوره کوتاه‌مدت لاله‌زار به دلیل سکونت دکتر تولوزان حکیم‌باشی مورد اعتماد ناصرالدین‌شاه به خیابان دکتر تولوزان معروف شد. اوج شکوفایی لاله‌زار تا اواخر دوران قاجاریه بود که تبدیل به محل تجمع کسانی شده بود که می‌خواستند رنگ و شکل اروپایی بگیرند و به‌زودی پدیده‌های نوین غربی به سرعت در این خیابان شروع به رشد کرد. اولین کافه به سبک جدید در لاله‌زار به وجود آمد. همچنین لاله‌زار نخستین خیابانی بود که در آن تئاتر، سینما و هتل دایر شد و تهرانی‌ها برای نخستین بار در لاله‌زار با مغازه و پاساژهایی به شکل اروپایی آشنا شدند و در ضمن معروف است که اولین مغازه را یکی از یهودیان سرمایه‌دار به نام ملالاله‌زار در این خیابان ساخت. فروشگاه جنرال مد که اولین بنگاه تولیدی سری‌دوزی لباس مردانه بود، در لاله‌زار به وجود آمد که بعدها دچار حریق شد و اکنون آثاری از آن باقی نمانده است، مغازه پیرایش در ابتدای لاله‌زار نیز یکی دیگر از فروشگاه‌هایی بود که به عرضه پوشاک اروپایی می‌پرداخت و مشتریان آنجا جزو طبقه مرفه و اعیان بودند. نخستین پاساژ به سبک فرنگی توسط نوه فرمانفرما در این راسته احداث شد. همچنین جنبش مشروطیت از خانه اتحادیه در کوچه ملی (اتحادیه) آغاز شد و شکل گرفت و جای بسی تعجب است که با گذشت سال‌ها و تغییر حکومت‌ها، این خانه همچنان استوار پابرجاست؛ هرچند که در میان درختان خشکیده گم شده است و عوام حق ورود به آنجا را ندارند اما به عنوان یک برگ از لاله‌زار قدیمی می‌توان به آن دلخوش کرد. با روی کارآمدن رضاخان و خراب کردن دیوارهای شهر و ایجاد خیابان شاه‌رضا (انقلاب اسلامی) لاله‌زار تا خیابان مذکور امتداد پیدا کرد و بوذر جمهر، شهردار تهران نیز این خیابان را سنگفرش کرد. در این سال‌ها لاله‌زار تبدیل به مرکز تجاری، مرکز تفریحات شبانه، محل شکل‌گیری گراند هتل و نخستین گلفروشی تهران شد و هر روز بر تعداد کافه‌ها و سینماهای این منطقه افزوده شد به طوری که ۸۰ درصد از سینماهای پایتخت در لاله‌زار وجود داشتند که شامل سینما ونوس، رکس، خورشید، البرز، فردوسی، ایران، مایاک، مرجان، متروپل، سحر، کریستال، تابان، فاروس، نادر و تماشاخانه‌هایی چون دهقان، نصر و پارس از آن دسته‌اند. تا اواسط سلطنت پهلوی دوم، نخستین مغازه الکتریکی به نام لوازم برقی ساسانیان و پارچه‌فروشی گیو، دفتر مجله صبا، روزنامه باختر و کیهان در این خیابان پا گرفتند و کاسبی از حیطه بازار خارج شد و پاساژهایی چون لاجوردی، سینا، ابهری و رزاق‌منش در این خیابان تاسیس شدند و لاله‌زار از تفرجگاه طبقه بالای جامعه خارج تبدیل به گردشگاه‌های طبقه پایین و متوسط جامعه و محلی برای گذران اوقات عامه مردم و مهاجرانی که از شهرستان‌ها آمده بودند، شد و به مرور کافه‌ها، رستوران و هتل‌ها بسته شدند و در اختیار صنف فروشندگان لوازم برقی و الکتریکی درآمدند که تا به امروز همچنان پابرجاست.

یکی از گردشگران اروپایی اواخر قاجاریه در خاطرات خود خیابان لاله‌زار را این‌گونه توصیف کرده است: «عصر باید به خیابان لاله‌زار رفت که در حقیقت برای تهران به منزله خیابان صلح است برای پاریس. مغازه‌های مد روز همه در این خیابان قرار دارند، خیاطان شیک‌دوز، مکانیسم‌های همه‌کاره و ساعت‌سازها، عکاسانی که عکس دار آویختگان روز قبل را فورا به نمایش می‌گذارند، چندین بچه ولگرد که از چایخانه‌ها بیرون می‌آیند و با نعره‌ای سرسام‌آور روزنامه‌های تهران، لیبران و ایران نو را به فروش می‌رسانند.»

با همه این تفاصیل آنچه را که از لاله‌زار باقی مانده، خیابانی است با مغازه‌های بی‌شمار در کنار سینما و تئاترهای بسته‌شده و پیاده‌رویی که روزگاری محل رفت و آمد روشنفکران و تبادل آرا و نظر بوده و حالا تبدیل به پارکینگ چرخ‌دستی و موتورها شده است.

گراند هتل، اولین هتل تهران

لاله‌زار جنوبی، پایین‌تر از کوچه ملی (اتحادیه)، آدرس دقیق گراند هتل است. تهرانی‌های قدیم و امروز، همگی لاله‌زار را با گراند هتل می‌شناسند که امروزه فقط یک نام از آن باقی مانده و با هزاران خاطرات که در زیر مغازه‌ها و انبوهی از کالا و زباله‌ها پنهان است و به نام پاساژ گراندهتل به حیات خود ادامه می‌دهد.

گراندهتل، نخستین هتل تهران بود که به سبک اروپایی ساخته شد و امروزه در قبضه فروشندگان لوازم برقی است و حیاط و باغچه مصفای آن که روزگاری میعادگاه جوانان بود، به انبار کالا و زباله‌ها تغییر کاربری داده و تبدیل به پناهگاه گربه‌های لاله‌زار شده است. گراندهتل که جزو لوکس‌ترین هتل‌های پایتخت به شمار می‌رفت، در زمینی که از نوادگان فتحعلی‌شاه به جای مانده بود به مساحت هزارو ۳۰۰ مترمربع توسط باقرخان مهاجر قفقازی در اواخر دوران قاجاریه به سبک فرنگی برای پذیرایی و اقامت میهمانان و مسافران ساخته شد که در سال‌های نخست فقط مختص پذیرایی از میهمانان سرشناسی بود که از خارج از ایران آمده بودند، چراکه تا قبل از تاسیس این هتل، اتباع خارجه به سفارت متبوع یا خانه‌هایی تحت عنوان پانسیون اقامت می‌کردند. اما در دوران رونق و شکوفایی لاله‌زار، گراندهتل به محل تجمع اعیان و اشراف تبدیل شد تا آنجا که رفتن به این مکان نوعی تشخص و روشنفکری به حساب می‌آمد.در این هتل زیبا، سالنی وسیع به همراه یک طارمی در جلو ایران برای برگزاری نمایش و کنسرت‌ها تعبیه شده بود که میرزاده عشقی و عارف قزوینی بهترین نمایشنامه‌های خود را برای اولین بار در آنجا به معرض تماشا گذاشتند و نخستین ترانه‌سرای زن، قمرالملوک وزیری، تابوها را شکست و بدون حجاب روی صحنه رفت.

گراندهتل تا اواسط حکومت پهلوی دوم همچنان به عنوان هتل دایر بود، ولی پس از آن با تاسیس سایر هتل‌های جدید، اتاق‌های آنجا توسط خیاطان زن و مرد، سلمانی‌ها و امثال آنها اجاره شد و از رونق هتل کاسته و به مرور زمان تبدیل به پاساژ گراندهتل شد. اینکه گراندهتل از چه زمانی تغییر کاربری یافت و به پاساژ تبدیل شد، سوالی است که پاسخ دقیقی برای آن پیدا نشد. یکی از بساط‌فروشی‌های لاله‌زار در پاسخ سوالم گفت: ۴۵ سالی است که هتل به شکل و شمایل پاساژ درآمده اما در ۱۵ سال اخیر حیاطش، انبار کالا شده است. مغازه‌داری نیز عقیده داشت: گراندهتل بعد از انقلاب پاساژ شد و خرده‌فروشی با حسرت نگاهی به گراندهتل انداخت و گفت: ای کاش همان زمان‌ها که داشت به پاساژ تبدیل می‌شد، یکی از مغازه‌ها را می‌خریدم، اون موقع‌ها قیمتی نداشت ولی امروز، مالکان به متری کمتر از ۵۰میلیون راضی نمی‌شوند!!!

حال می‌خواهد ۴۰ سال، ۳۰ سال و ۲۰ سال باشد که این هتل تبدیل به پاساژ شده و اتاق‌هایش که روزگاری پذیرای مسافران بوده، تبدیل به مغازه‌های میلیاردتومانی شده باشد. اما غیر از افسوس باید چه گفت، جالب آنکه گراندهتل با اینکه سال‌هاست تغییر کاربری داده و بعد تاریخی، ارزشی و قدمتش را از دست داده. در چند سال اخیر در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است در تابلو فلزی متعلق به شهرداری هم در کنار چرخ‌دستی‌ها، شرح حالی از این هتل لوکس به معرض نمایش گذاشته شده است.

برگی از تاریخ

بیمارستانی در دل عمارت

■ میدان فردوسی، کوچه پارس، کوچه‌ای که از شمال به خیابان انقلاب و از جنوب به خیابان نوفل لوشاتو منتهی می‌شود، خانه‌ای با قدمت و ارزشمند را در خود جای داده است. تاریخچه بنای آن مربوط به اواخر دوره قاجاریه است که از آن به‌نام «موقوفه فاضل‌عراقی» مستشار و رییس سابق دیوان‌عالی کشور نام می‌برند که در سال ۱۳۳۴ به دستور وی این خانه، وقف بیمارستان زنان دادگستری و بعد از ۱۰ سال ساختمان‌های دیگری به آن اضافه شد و در سال ۱۳۵۲ به‌دستور دکتر حسن حکمت رییس وقت بیمارستان، تغییراتی در بنا و ساختمان موقوفه فاضل عراقی داده شد. بعداز پیروزی انقلاب اسلامی، وزارت دادگستری تصمیم گرفت که ساختمان را به کل تخریب و به‌جای آن بیمارستان پنج طبقه را بنا کند که با مخالفت شدید سازمان میراث فرهنگی روبه‌رو شد و در نتیجه این کار را عملی نکرد. سرانجام این عمارت در سال ۱۳۷۰ زیرنظر کارشناسان میراث فرهنگی مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و جالب است که بدانید با توجه به آنکه این خانه نفیس و تاریخی تبدیل به بیمارستان شده، میراث فرهنگی آن را در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسانده است.

نمای عمارت

این عمارت دو طبقه پوشیده‌شده از آجر، دارای نمای جنوبی است که معماران ساخت آن را به اواخر دوره قاجاریه نسبت داده‌اند که به‌عنوان سکونتگاه و منزل مورد استفاده قرار می‌گرفت و همچنین بر این نظرند که این خانه نیمه اعیانی متعلق به خانواده‌ای مرفه بوده است. معمار ساختمان مذکور با ایجاد پیش‌آمدگی و فورفتگی‌های جزیی در نما، تنوع زیبایی در ساخت بنا به وجود آورده که بخش مرکزی آن با دری تمام‌شیشه‌ای در قسمت همکف و پنجره‌ای تمام‌قد در طبقه اول از آثار پیش‌آمدگی موقوفه فاضل‌عراقی است. نمای ساختمان در ارتفاع اکثرا سنگ‌کاری شده که در قسمت بالای عمارت که به شیروانی منتهی می‌شود، کتیبه‌ای نسبتا پهن با آجر نقش برجسته به کار رفته است.معمار ساختمان نهایت ظرافت را در رابطه با کاشیکاری‌های این خانه به خرج داده است. در واقع بسیاری از مورخان و معماران معاصر، نحوه دقیق به‌کار بردن کاشی و موضوعاتی که در آن به تصویر و ثبت رسیده را از ویژگی‌ها وتمایز این بنا نسبت به سایر ساختمان‌های آن دوره می‌پندارند. به کار گرفتن نقش شاپور پادشاه ساسانی که امپراتور مغرب‌زمین را به زانو درآورد بیش از سایر تصاویر شاهان تاریخی در کاشیکاری‌های نمای خانه، که گویا تسلط غرب بر ایران در دوران قاجاریه را نشان می‌دهد، تصادفی نیست و قابل تامل است.

همنشینی مسالمت‌آمیز غذاهای فرنگی و تهرانی

در عصر قاجار و با آغاز برقراری رابطه با ممالک اروپایی، سیل کالاهای فرنگی به پایتخت سرازیر شد که نخستین مصرف‌کنندگان کالاهای خارجی، دربار، رجال و اعیان آن روزگار بودند که به مرور از محدوده دربار و خانه‌های اشراف بیرون آمدند و بازارهای تهران را تسخیر کردند. در آن ایام تهرانیان، مظاهر تمدن فرهنگ را به عنوان سرمشقی اجتناب‌ناپذیر برای خود درآوردند تا آنجا که تمام فرنگیان سیاح را طبیب می‌دانستند و برای معالجه دردهایشان به سراغ آنها می‌رفتند و معتقد بودند نویسندگان خارجی، حالت افسانه‌ای دارند تا آنجا که اشعار «لرد بایرون» را به عنوان «علم کیمیا» به فروش می‌رساندند. حکام و پادشاهان فرنگ نیز از همین وصف برخوردار بودند. تصویر ناپلئون که با بالاپوش جواهرنشان بر تخت فتحعلی‌شاه نشسته و پشت سرش دورنمایی از پاریس به چشم‌می‌خورد که در حقیقت اصفهان است در همه دکان‌ها به فروش می‌رسید و ترجمه شرح زندگانی بناپارت به فارسی همیشه بالای سر محمد شاه جای داشت و وی هر شب به آن مراجعه می‌کرد. پس از متاع فرنگی و مصنوعاتی چون کراوات، تصاویر شاهان، کلاه و... که وارد تهران شد، اغذیه فرنگی جای خود را در میان سفره‌های تهرانی‌ها باز کرد که نخستین مروج اغذیه فرنگی، دربار، اعیان و رجال قاجار بودند. حتی نگاهی به اسناد بازمانده از صورت غذاهای دربار قاجار به تعبیر فرنگی «منوی» غذا گواه این مطلب است. در واقع تنظیم منو یا فهرست غذاهای مصرفی روزانه پس از نخستین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ به تقلید از دربارهای فرنگستان آغاز شد و منوهای به جامانده نشان می‌دهد که حجم اغذیه فرنگی از اغذیه ایرانی بیشتر بوده است. در یکی از منوهای مربوط به دوران ناصری، نام فهرستی از غذاهای فرنگی به همراه غذاهای ایرانی به چشم می‌خورد که شامل این نوع اغذیه بودند: سوپ ژولین، سوپرم بلدرچین، پتی پاته، ماهی قزل‌آلا، کتلت پتی‌بور، سالمی، ژیگو، بوقلمون، جوجه با قارچ، ماهی با سس هلندی و سالاد روس.

اسلامبولی پلو، نخستین غذای فرنگی در تهران

ورود هر یک از غذاهای خارجی دارای داستانی است که کمتر کسی از آن باخبر است. نخستین غذای فرنگی که وارد سفره‌های تهرانی‌ها شد، اسلامبولی‌پلو بود که معیرالممالک در کتاب رجال ناصری، به شرح این ماجرا می‌پردازد: «محسن خان مشیرالدوله سال‌ها در اسلامبول سفیر کبیر بود و بالاخره ناصرالدین‌شاه وی را احضار کرد و وزارت امور خارجه را به وی سپرد. روزی مشیرالدوله، صدراعظم و بزرگان عصر را به باغ خود در سر پل رومی به صرف ناهار دعوت کرد و در سر سفره میان غذاهای متنوع وطنی، قابی چند از پلو تازه دیده شد که تا آن روز کسی از آن نچشیده بود. میزبان نخست ظرفی از این پلو را پیش صدراعظم نهاد و گفت: این غذا اسلامبولی‌پلو نام دارد و برای اولین مرتبه در تهران تهیه شده است و همسرم از بانوان ترک یاد گرفته و دستپخت اوست. صدراعظم خوردن و تمجید را آغاز کرد و طولی نکشید که قبل از هر غذایی، سینی‌های اسلامبولی‌پلو خالی شد و از آن پس این غذا در تهران متداول گشت.»

برگرفته از کتاب اولین‌های تهران

جدول ۱۳۵۱

افقی:
۱- یتیم خانه- عقل درست و کامل ندارد ۲- پسر حضرت اسماعیل- پندار- هم دوره ۳- تر و تازه- موجود افسانه ای- جمع ناقوس ۴- ضمیر مخاطب عرب- شهری در آذربایجان غربی- فرستاده خدا- رودی در فرانسه ۵- یک عامیانه- جرقه آتش- هنر گوش‌نواز ۶- مدعی‌العموم- رسیدن ۷- تکرار یک حرف- نوشتن- نام جد پیامبر(ص) ۸- همراه تب- شهری در آلمان- از اعضای درخت- سپاسگزاری کردن ۹- دینداری- سرور- جای پا ۱۰- نوعی نمایش- از شهرهای خوزستان ۱۱- خفگی- سال گذشته- ستون بدن ۱۲- راه میانبر- تیر کوچک- یکی از بروج فلکی- داغ خارجی ۱۳- باز خواست کردن- آشکار شدن راز- نرده ۱۴- عصیان و طغیان- مستی- مرکز کشور مالت ۱۵- فرق سر- عنصری با وزن اتمی ۲۶۴

عمودی:
۱- اثر اسمیت- خوشحال ۲- روز جمعه- دودل- فریاد تشویق ۳- آدم آهنی- کلمه تعلیل- واحد طول روسی ۴- اشاره به نزدیک- قدر ومرتبه- کسی که کوچک‌ترین نفعی به دیگران نرساند ۵- تکرار حرف بیست و شش- کوچکی- اذیت دیده ۶- حق دلالی- فرزند زاده ۷- اولین فضا نورد- مخفف تو را- گوسفند جنگی- جهت ۸- خالی- دانه خوراکی- نام ستاره‌ای در صورت ماه السلسه- اندیشه ۹- مادر عرب- ماه بیگانه- دانه گیاه- گیاه چترادر ۱۰- در بیمارستان خدمت می‌کند- کهنه پوش ۱۱- آقای فرانسوی- بزرگ‌ترین شاعر روم باستان- پوستین ۱۲- خلاصه- گذر گاه- نوعی موشک ۱۳- دشوار، سخت- آهسته و آرام- کودن واحمق ۱۴- یاری کننده- قشون- میهمانی فرنگی ۱۵- سیر از او بی‌خبر است- فیلمی از محرم زینال‌زاده

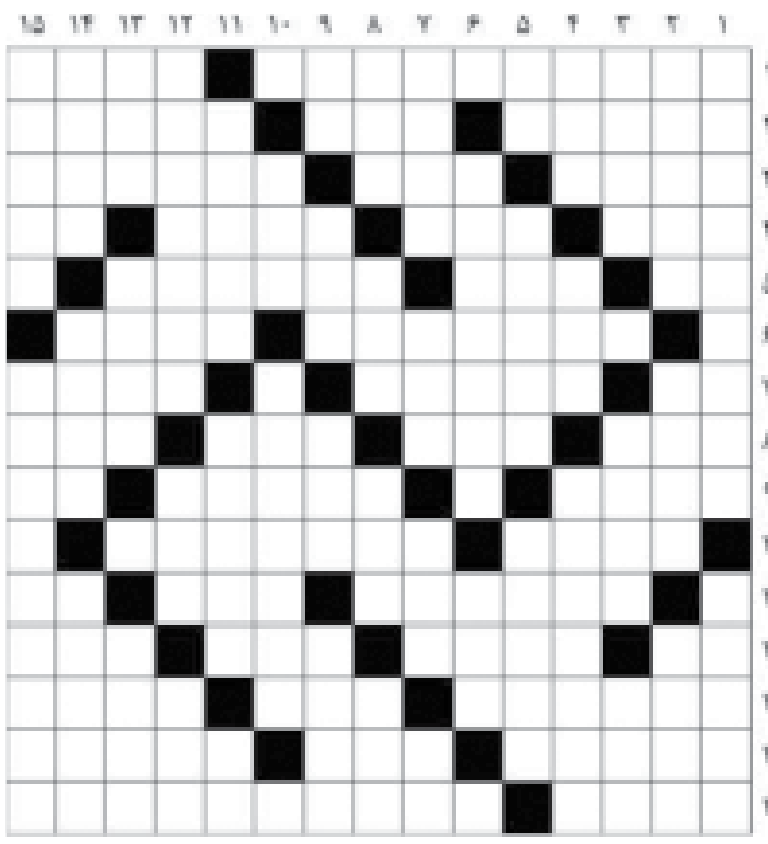

حل جدول ۱۳۵۰

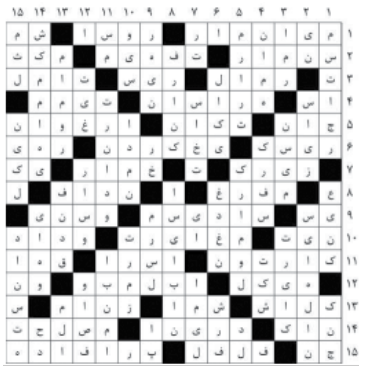

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۳۵۴

	۷			۹		۱	۴	
	۱	۶			۵	۸		۳
		۵					۶	۹
۷		۸		۲		۳		
۵	۳	۱		۶		۲	۹	
۲		۴	۱		۷			۶
	۲			۷	۴	۶		
	۵			۸	۱		۳	
	۸		۲		۳	۴	۷	

حل سودوکو ۳۵۳

۶	۹	۴	۵	۱	۷	۳	۲	۸
۲	۳	۱	۴	۹	۸	۵	۶	۷
۵	۸	۷	۶	۳	۲	۹	۴	۱
۸	۴	۲	۳	۷	۶	۱	۵	۹
۱	۷	۵	۸	۹	۴	۶	۳	۲
۳	۶	۹	۱	۵	۳	۷	۸	۴
۴	۵	۸	۹	۶	۱	۲	۷	۳
۹	۱	۳	۷	۲	۵	۴	۹	۶
۷	۲	۶	۳	۴	۹	۸	۱	۵

سودوکو سخت ۴

		۸	۵	۳	۶			
		۵	۲		۹			
			۴			۲		۵
	۹		۸					۱
۸	۱				۴			
۶	۲				۱			
	۷				۳			
۳				۷	۸			
	۶			۵	۴			

حل سودوکو سخت

۴	۷	۹	۶	۳	۵	۸	۲	۱
۳	۸	۶	۲	۱	۹	۵	۴	۷
۵	۱	۲	۸	۴	۷	۳	۹	۶
۸	۴	۳	۹	۷	۲	۱	۶	۵
۱	۶	۷	۵	۸	۳	۹	۱	۴
۹	۵	۸	۱	۶	۴	۷	۳	۲
۶	۳	۴	۷	۹	۱	۲	۵	۸
۷	۹	۱	۴	۲	۸	۶	۷	۳
۲	۲	۵	۳	۵	۶	۴	۸	۹